



**طراحی بسته‌های نظارتی بانک مرکزی بر اساس
مفهوم هژمونی پولی**

ایمان باستانی فر *

محمدواعظ برزانی **

* دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه اصفهان

** استادیار دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵۲۱	چکیده.....
۵۲۲	مقدمه
۵۲۳	۱- پیشینه مفاهیم هژمونی و کاربردهای آن
۵۲۴	۲- ضرورت توسعه مفهوم هژمونی در اقتصاد پولی
۵۲۶	۳- تحلیل بسته‌های سیاستی- نظارتی بانک مرکزی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹
۵۲۶	۳-۱- بررسی محتوای بسته‌ها
۵۲۸	۳-۲- معرفی شاخص‌های هژمونی بسته سیاستی - نظارتی بانک مرکزی
۵۲۹	۴- روش تحقیق
۵۳۰	۵- معرفی مدل
۵۳۱	۱- ۵- گام اول: تعیین شاخص‌های هژمونی سیاست پولی
۵۳۱	۱-۱- ۵- شاخص ۱: تمایز رجحان‌های منطقه‌ای
۵۳۱	۲- ۱- ۵- شاخص ۲: احساس آمرانه بودن
۵۳۲	۳- ۱- ۵- شاخص ۳: همراهی مقام پولی با مردم
۵۳۲	۲- ۵- گام دوم : استخراج زیرشاخص‌ها
۵۳۲	۳- ۵- گام سوم: تعیین بازه‌های (امتیاز) شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها
۵۳۳	۴- ۵- گام چهارم: تعیین بازه فازی هژمونی بسته‌ها
۵۳۴	۵- ۵- گام پنجم: محاسبه میزان هژمونی بسته‌ها
۵۳۵	۶- برآورد مدل و نتایج
۵۴۰	جمع‌بندی و پیشنهادها
۵۴۱	کتاب‌نامه

فهرست جدول‌ها

صفحه	عنوان
۵۳۱	جدول شماره ۱- مدل هژمونی بسته سیاستی- نظارتی.....
۵۳۴	جدول شماره ۲- تعیین بازه فازی هژمونی بسته‌های سیاستی- نظارتی ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹....
۵۳۵	جدول شماره ۳- برآورد میزان هژمونی بسته سیاستی- نظارتی بانک مرکزی ۱۳۸۷.....
۵۳۶	جدول شماره ۴- برآورد میزان هژمونی بسته سیاستی - نظارتی بانک مرکزی ۱۳۸۸.....
۵۳۸	جدول شماره ۵- برآورد میزان هژمونی بسته سیاستی - نظارتی بانک مرکزی ۱۳۸۹.....

چکیده

به اقتدار سیاست پولی با توجه به ملاحظات اجتماعی و فرهنگی، هژمونی پولی گفته می‌شود. به عبارت دیگر معنای هژمونی پولی این است که مقام پولی در طراحی هر سیاست پولی که می‌تواند در قالب یک بسته سیاستی ارائه شود، به اثربخشی آن سیاست در لایه‌های اقتصادی و اجتماعی بدون تأکید بر اهرم‌های اقتدارگرایانه توجه داشته باشد. به‌طور کلی، براساس مفهوم هژمونی پولی، سیاستگذار یا مقام پولی به این موضوع توجه داشته باشد که رفتار ارادی عوامل اقتصادی با رفتار موردنظر مقام پولی سازگار باشد.

اهمیت طرح مفهوم جدید هژمونی پولی در ادبیات اقتصاد پولی از یک سو در لزوم توسعه دادن این مفهوم از زمینه‌های اقتصادسیاسی به اقتصادپولی است و از سو دیگر و از منظر کاربردی این واژه می‌تواند سیاست‌های پولی را با توجه به ملاحظات اجتماعی و فرهنگی یک جامعه اثر بخش‌تر کند.

در این مقاله ضمن معرفی واژه‌ی هژمونی و توسعه‌ی آن در ادبیات اقتصاد پولی، میزان هژمونی بسته‌هایی سیاستی نظارتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۱۳۸۷، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ با منطق فازی تعیین و نتایج به‌دست آمده مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. نتایج به‌دست آمده از الگوی منطق فازی به کار رفته نشان می‌دهد هژمونی سیاست پولی در دوره‌ی مورد مطالعه پایین است، لیکن در سال ۱۳۸۹ نسبت به سال‌های قبل تقویت شده است.

واژگان کلیدی: بسته نظارتی، هژمونی، پول، منطق فازی.

مقدمه

واژه هژمونی^۱ نخستین بار توسط آنتونیو گرامشی^۲ جامعه‌شناس ایتالیایی در دهه سوم قرن بیستم میلادی برای تحلیل سیاست داخلی مطرح شد. گرامشی از مفهوم هژمونی برای توصیف شیوه‌های کنترل اجتماعی موجود در برخورد با گروه‌های اجتماعی حاکم استفاده می‌کرد. او بین کنترل زورمدارانه که به صورت اعمال زور یا تهدید ظاهر می‌شود با کنترل اجتماعی که در شرایطی پدیدار می‌شود که افراد با میل باطنی یا داوطلبانه، دیدگاه‌های مسلط را می‌پذیرند، تمایز قایل می‌شود و هژمونی را در مقابل سلطه مطرح می‌کند (استرنیاتی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۲).

واژه‌ی هژمونی مفهوم ایدئولوژی را گسترده و کاربردی کرده و باعث غنای آن می‌شود و با دادن یک هویت سیاسی به مفهوم ایدئولوژی، کارکرد نهادی به آن می‌بخشد. مهم‌ترین تمایز هژمونی با ایدئولوژی در این است که هژمونی می‌تواند دائماً تغییر کند و نسبت به ایدئولوژی بسیار منعطف‌تر است، لیکن ثبات ایدئولوژی بیشتر است. ضمن آنکه هژمونی بیشتر از آنکه یک مفهوم نظری باشد، مفهومی کاربردی و اجرایی است (تری ایگلتون، ۱۳۸۱، صص ۱۸۲ تا ۱۹۲).

دغدغه اصلی گرامشی در تبیین هژمونی این بود که می‌توان بر جامعه به گونه‌ای حکومت کرد که با یک جهان‌بینی مشخص، اخلاق، امور سیاسی و معنوی مردم نیز مورد توجه قرار گیرد و در واقع با پرهیز از اعمال زور و دیکتاتوری براساس یک الگوی رهبری و اطاعت‌پذیری، بر جامعه حکومت کرد.

در علم اقتصاد پولی اگر چه این مفهوم به صورت گسترده وارد نشده، لیکن در اقتصاد سیاسی بین‌الملل این واژه توانایی ملی برای تبیین واژه‌ها و شرایطی که منجر به مبادله‌ی بیشتر کالاها و خدمات و دارایی‌های ملی می‌شود، تعریف شده است (دیمسکی^۳، ۲۰۰۲، ص ۱).

اهمیت مفهوم هژمونی در ادبیات اقتصاد پولی بدین خاطر است که با وجود واکنش‌های رفتاری مختلف در جامعه نسبت به پول، امکان اثربخشی سیاست‌های پولی - که براساس قواعد کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بعضاً بلندمدت ترسیم می‌شوند - کاهش می‌یابد، از این‌رو لازم است تا پیش از اجرای بسته‌های سیاستی، میزان اقتدار و اثربخشی آن برآورد شود.

رهبری - پیشوایی - برتری جویی Hegemony^۱

Gramsci^۲

Dymski^۳

بر این اساس در این مقاله ابتدا مفاهیم هژمونی در علوم انسانی و کاربردهای آن مرور می‌شود. چون این مفهوم دارای قابلیت به‌کارگیری در حوزه‌های مختلف دارد، در اینجا به تبیین و توسعه‌ی این مفهوم در اقتصاد پولی پرداخته می‌شود. در ادامه با تحلیل محتوای بسته‌های سیاستی - نظارتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۸۸-۱۳۸۹، یک چارچوب تحلیلی برای اندازه‌گیری هژمونی بسته سیاستی مذکور معرفی و با منطق فازی مدل ارائه شده برآورد می‌شود.

۱- پیشینه مفاهیم هژمونی و کاربردهای آن

واژه‌ی هژمونی از زبان یونانی گرفته شده و به معنای رهبری^۱ است. در روابط بین‌الملل، هژمون، رهبر یا وضعیت رهبری گروهی از دولت‌ها عنوان می‌شود (Griffiths & O'Callaghan, 2002: 1378). این واژه نخستین بار توسط یک جامعه‌شناس ایتالیایی به نام گرامشی معرفی شد. از نگاه گرامشی، میان سلطه و هژمونی باید تمایز قائل شد. وی سلطه را به معنای اعمال قدرت بدون رضایت بر افراد تحت حکومت و هژمونی را گونه‌ای رهبری فکری و اخلاقی می‌داند که نمایندگان قدرت همواره اصول اخلاقی والایی را برای به‌کارگیری سیاست‌های خود مطرح کرده و ارزش‌های اخلاقی، سیاسی و فرهنگی خود را در قالب عقل متعارف به مردم عرضه می‌کنند. (کرمی، ۱۳۸۵، صص ۵-۳).

بسیاری از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل میان هژمونی و امپراتوری و همچنین امپریالیسم تفاوت قائل شده‌اند. مدل‌سکی^۲ مفهوم پیشوایی را به جای هژمونی به‌کار می‌برد. منظور وی از این مفهوم، رساندن این پیام است که پیشوای جهانی، بازیگری است که توان نوآوری و حرکت به جلو را در جهت ارتقای مصلحت عمومی دارد. (سیف زاده، ۱۳۷۶: ۱۳۰).

اگرچه واژه‌ی هژمونی در چارچوب نظریه واقع‌گرایی و به‌ویژه واقع‌گرایی ساختاری بررسی می‌شود، لیکن درباره این مفهوم در چارچوب نظریه‌های مختلف دیگر نیز بحث شده است. مارکسیست‌ها آن را به‌عنوان مرحله پیشرفت و پیچیده‌ای از سلطه، غلبه طبقاتی و امپریالیسم مطرح کرده و از آن برای جبران ناتوانی نظریه‌های وابستگی به امپریالیسم استفاده می‌کنند (همان ص ۱۲).

¹ Leadership

² Modelsky

در نظریه‌های رفتارگرا همانند نظریه سیستم‌ها در روابط بین‌الملل، به این واژه توجه شده و حتی نظریه‌پردازان اقتصاد سیاسی بین‌الملل و نهادگرای لیبرال نیز تلاش‌های جدی برای توسعه و بسط نظری این مفهوم و به‌کارگیری آن داشته‌اند (Guzzni, 1998:142).

در ادبیات اقتصاد سیاسی بین‌الملل این واژه نخستین بار توسط اقتصاددان لیبرال، چارلز کیندلبرگر^۱ (۱۹۷۶) مطرح شد. وی اعتقاد داشت ثبات اقتصاد جهانی نیازمند وجود یک ثبات دهنده‌ای واحد است.

نگاه کیندلبرگر به مفهوم هژمونی همان معنای رهبری^۲ و یا حکمرانی مطلق خیرخواهانه^۳ است که تنها راه حل بهینه برای حداکثر کردن منفعت عمومی تلقی می‌شود. وی حتی بلوک‌های منطقه‌ای را نیز به‌خاطر آنکه نمی‌توانند به‌صورت یک اقتصاد همگرا عمل کنند، راه حل مفیدی نمی‌داند و تنها راه حل ممکن را رهبری هژمونیک می‌داند (Kindleberger, 1976, 26-38).

در قرن بیست و یکم، هژمونی پس از واقعه‌ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به صورت جدی مطرح شده است (کرمی، ۱۳۸۵، ص ۱۹). دلیل اصلی تبلور دوباره این مفهوم در نظر والتز^۴ نهفته است. وی می‌گوید در جهان تک قطبی امروز، شکافی بین آمریکا و سایر کشورها از نظر فناوری و قدرت نظامی وجود دارد که هیچ دولتی در آینده نزدیک هم به آن نمی‌رسد. لیکن در مقابل، کشورهای که از سلطه‌ی نظامی آمریکا بر جهان ناراضی می‌باشند نیز کم نیستند (والتز، ۱۳۸۲: ۲۰-۱۹). بر این اساس تلاش آمریکا برای حفظ این سلطه، با رویکرد کنونی، همان عاملی است که آن را به نابودی می‌کشاند. بنابراین سلطه‌ی امروزی آمریکا، مصداق کامل هژمونی نمی‌باشد.

۲- ضرورت توسعه مفهوم هژمونی در اقتصاد پولی

نظریه‌ی ثبات هژمونیک در عرصه‌ی اقتصاد بین‌الملل لیبرال بر آزادی تجارت بین‌الملل تمرکز دارد. اگرچه مفاهیم و مباحث این نظریه با قابلیت‌ها و اهرم‌های هژمونی تحلیل می‌شود که در فضای جریان‌های رئالیستی شکل گرفته‌اند، لیکن در هر سه مکتب اصلی اقتصاد سیاسی بین‌المللی یعنی رئالیسم، لیبرالیسم و مارکسیسم به‌عنوان یک چارچوب تحلیلی مناسب پذیرفته

¹ Kindleberger

² Leadership

³ Benevolent despotism

⁴ Waltez

شده‌اند (شیرخانی، ۱۳۸۷، ۱۶۸). در واقع دولت هژمون، دولتی قدرتمند است که به تعبیر کوهین^۱ به‌منظور مدیریت و رهبری نظم اقتصادی لیبرال هم توانایی دارد و هم تمایل، اما در مورد اینکه میان توانایی و تمایل هژمون با ثبات اقتصاد لیبرال چه نوع رابطی وجود دارد میان نظریه‌پردازان مختلف اختلاف نظر وجود دارد (همان ص ۱۶۹).

در نگاه نظریه‌پردازان لیبرال، دولت هژمون در ثبات هژمونیک، مولد کالاهای عمومی است. از مصادیق کالاهای عمومی در عرصه بین‌الملل می‌توان به آثار خارجی تجارت آزاد، ثبات پولی، صلح و امنیت بین‌المللی اشاره کرد. بنابراین یکی از ویژگی‌های هژمون بودن یک دولت در عرصه بین‌الملل، توجه به ثبات پولی است که ثبات پولی هم از طریق سیاست‌های با ثبات پولی و هم به کمک سیاست‌هایی که در عرصه اقتصاد منجر به ثبات و رهبری می‌شوند، تبیین می‌شود. نگاه رئالیست‌ها به مقوله‌ی هژمونی مبنی بر ارتقای چهار منفعت توسط دولت‌ها است. درآمد ملی، رشد اقتصادی، قدرت سیاسی و ثبات اجتماعی. در واقع دولتی قابلیت‌های هژمونی بالایی دارد که بتواند درآمد ملی بیشتری ایجاد کند و نرخ رشد اقتصادی را ارتقاء دهد و در کنار افزایش قدرت سیاسی خود بی‌ثباتی‌های اجتماعی را نیز کاهش دهد. به عبارتی در نگاه رئالیست‌ها، هژمونی صرفاً معطوف به ابعاد اقتصاد نیست، بلکه ملاحظات سیاسی و اجتماعی هم نقش بارزی ایفا می‌کنند (keohane.1984).

به‌طور کلی جمع‌بندی دیدگاه‌های اقتصاددانان سیاسی بین‌المللی مانند باری ایکنگرین^۲، رابرت ماندل^۳، رابرت بالدوین^۴ و دیگران بر این است که ثبات پولی یکی از مواردی است که یک دولت هژمون برای تثبیت جایگاه خود باید به آن توجه کند (Gilpin, 2001, 94-97).

هژمونی از منظر شریعت ناشی از ترکیب دو عنصر تعقل و عزت است^۵ که این دو عنصر در اندیشه‌ی دینی از جایگاه بالایی برخوردار است. به عبارت دیگر دین از یک‌سو ما را دعوت به خردورزی تحت واژگانی چون تفکر و تعقل می‌کند و از سوی دیگر کسب و حفظ عزت مومن در صحنه‌ی زندگی فردی و اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است. نتیجه‌ی تلفیقی این دو عنصر اقتدار است که موجب پیگیری اهداف اجتماعی و اقتصادی با هزینه پایین می‌شود.

¹ Keohane

² Barry Eichengreen

³ Robert mundell

⁴ Robert Baldwin

^۵ برای مثال آیه‌ی شریفه‌ی "واعدولهم ماستطعمتم من قوه" و... مصداقی از عنصر تعقل و عزت است.

به‌طور کلی ضرورت توسعه‌ی مفهوم هژمونی در اقتصاد پولی به سه دلیل زیر قابل توجیه است:
 اول- یک چارچوب تحلیلی مناسب پذیرفته شده در اغلب مکاتب اقتصاد بین‌الملل است.
 دوم- تبیین‌کننده مفهوم اقتدار مقام پولی با توجه به ملاحظات اجتماعی و فرهنگی است.
 سوم- از منظر شریعت و اندیشه‌ی دینی مورد تأیید است.

۳- تحلیل بسته‌های سیاستی- نظارتی بانک مرکزی در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹

سیاست‌های پولی که از سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ تحت عنوان بسته سیاستی- نظارتی بانک مرکزی شهرت یافته‌اند، هر ساله به استناد ماده‌ی ۱۴ قانون پولی و بانکی کشور و ماده ۲۰ قانون عملیات بانکداری بدون ربا در شورای پول و اعتبار تصویب و پس از تأیید رئیس‌جمهور به بانک‌های عامل ابلاغ می‌شود. در این قسمت در ابتدا ویژگی‌های مهم این بسته-ها به‌خصوص بسته‌ی سیاستی- نظارتی سال ۱۳۸۹ به‌صورت روش تحلیل محتوا مطرح و در ادامه شاخص‌های هژمونی بسته ارائه می‌شود. به سبب بهنگام بودن بسته سیاستی- نظارتی سال ۱۳۸۹ در ابتدا محتوای این بسته تحلیل خواهد شد، آن‌گاه با محتوای بسته‌های دو سال پیش خود مقایسه می‌شود.

۳-۱- بررسی محتوای بسته‌ها

به‌طور کلی از آنجا که تا پیش از سال ۱۳۸۷ سیاست‌ها به‌صورت یکپارچه و منظم در قالب یک بسته سیاستی- نظارتی ابلاغ نمی‌شد، این حرکت یک اقدام جدید در عرصه برنامه‌ریزی پول و اعتبارات است. اگرچه دسته‌بندی و محتوای مواد طی این سه دوره کاملاً مشابه نیستند، لیکن در هیچ‌کدام به تمایز دقیقی میان سیاست‌های مرتبط با اعتبار، حجم پول و نرخ بهره و ارتباط آن‌ها با یکدیگر اشاره نشده، که خود گواه فقدان یک قاعده پولی سازگار با اقتصاد ایران است. این مسئله به‌خوبی در مواد اول بسته‌های سال ۸۸ و ۸۹ متبلور است. به‌گونه‌ای که در بیان تعاریف هیچ اشاره‌ای به این واژگان نشده است.

بسته سیاستی- نظارتی سال ۱۳۸۹ در شش فصل تهیه شده است که فصل تعاریف، سیاست‌های پولی، سیاست‌های اعتباری، سیاست‌های نظارتی، بانکداری الکترونیک و نظام‌های پرداخت در قالب پنج فصل و فصل ششم هم تحت عنوان سایر تنظیم شده است. از مهم‌ترین نکات این بسته عدم تمایز نظری میان سیاست‌های پولی و اعتباری است. از منظر نظریه‌های

پولی، سیاست‌های پولی، سیاست‌هایی هستند که بر حجم پول وضع می‌شوند. در مقابل سیاست‌های اعتباری، سیاست‌هایی هستند که بر تغییرات نرخ بهره استوار می‌باشند (Romer, 2006, 524). نکته حائز اهمیت این است که در فصل‌های دوم و سوم، یعنی سیاست‌های پولی و اعتباری، مبنای تحریک اعتبار و پول، نرخ‌های سپرده‌های مختلف و اعتباری بوده است. در واقع نگاه قانونگذار به تمایز دو سیاست، صرفاً معطوف به نرخ‌های سپرده و اعتبارات بوده است.

نکته دیگر در مورد بسته این است که برخلاف بسته سال گذشته که در ۵۱ ماده تنظیم شده بود، هم‌اکنون این بسته به ۲۱ ماده تلخیص شده است. به‌گونه‌ای که فصل اعتبارات همچنان به‌عنوان یک فصل شاخص از نظر محتوای مواد و دامنه‌ی شمول مورد تأکید قرار گرفته است. درباره فصل دوم، یعنی سیاست‌های پولی با توجه به کاهش نسبت سپرده‌های قانونی مختلف نسبت به سال گذشته، سیاست مدنظر مقام پولی، سیاست پولی انبساطی بوده است.

در فصل سوم تحت عنوان سیاست‌های اعتباری، نکته مهم، ارائه اوراق مشارکت توسط بخش‌های غیردولتی و شهرداری‌هاست. این مسئله اگر چه یک فرصت برای گسترش تأمین مالی این نهادها به حساب می‌آید، لیکن ضوابطی برای تنوع و تمایز اوراق مشارکت آن‌ها دیده نشده است. به‌طور مثال اینکه شهرداری‌ها تا چه حد امکان استفاده از این اوراق را برای بافت‌های فرسوده دارند و یا در چه زمینه‌های دیگر (مانند توسعه شبکه معابر، دفع آب‌های سطحی و ...) امکان استفاده از ابزار فوق وجود دارد، توضیحی داده نشده است.

در فصل چهارم، تحت عنوان سیاست‌های نظارتی مشخص می‌شود که مقام پولی روش‌های مختلف نظارتی و متنوعی را مدنظر قرار داده است. از توجه به جریان صحیح وجوه در محل خود، تا توسعه نرم‌افزاری فعالیت‌ها و سیاست‌های کاهش ریسک و فعال سازی بانک‌های اطلاعاتی، گویای ضرورت توجه به ساز و کارهای نظارتی متنوع در اجراست.

مسئلاً ضرورت نظارت و سیاست‌های نظارتی به‌دلیل تنوع فعالیت‌های اقتصادی و رفتارهای بنگاه‌ها و نهادهای متقاضی اعتبارات از اهمیت بسیاری برخوردارند، لیکن پرسش مهم این است که آیا این موارد دارای ضمانت اجرایی یک سیاست می‌باشند؟

درباره فصل پنجم که بانکداری الکترونیک و نظام‌های پرداخت است، توسعه بانکداری الکترونیکی بیشتر معطوف به نظام پرداخت بوده و سیاست‌های تشویقی برای توسعه این نوع بانکداری به چشم نمی‌خورد.

به‌طور کلی آنچه از تحلیل محتوای این بسته می‌توان به اختصار طرح کرد این است که:

الف- ارتباط بسته با طرح تحول اقتصادی و به خصوص هدفمندسازی یارانه‌ها کم است. هر چند که در ماده‌ی ۹ اشاراتی شده است.

ب- توجه به سیاست‌های تشویقی برای افزایش کارایی و بهره‌وری نظام پولی و اعتباری در مقایسه با سیاست‌های سلبی بیشتر بوده است.

ج- با توجه به گستردگی جغرافیایی ایران، به سلايق و رجحان‌های افراد و بنگاه‌ها از منظر اقلیمی و در تناسب با نیازمندی‌های فرهنگی و جغرافیایی و رتبه توسعه‌یافتگی مناطق کمتر توجه شده است.

۲-۳- معرفی شاخص‌های هژمونی بسته سیاستی- نظارتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۹

باتوجه به موارد مطرح شده درباره هژمونی، باید عنوان شود که هر هژمونی در برگرفته یک بسته‌ی سیاستی است، لیکن هر بسته سیاستی- نظارتی پولی الزاماً واجد هژمونی پولی نیست. در واقع یک بسته سیاستی زمانی هژمونی است که اولاً مورد توافق و اجماع جامعه باشد و پاسخگوی سلايق قشرهای مختلف جامعه از منظر جمعیتی، جغرافیایی و ... باشد، ثانیاً تبیین‌کننده احساس همراهی مردم با مقام پولی باشد. یعنی نیازمندی‌های اصلی جامعه را مانند: زیرساخت‌ها، تولید، تشکیل خانواده، بهداشتی آموزشی و غیره را پوشش دهد، ثالثاً از سیاست‌های زورمحورانه به دور باشد و جنبه‌های تشویقی آن بر تنبیهی و سلبی بیشتر باشد. بنابراین هر قدر یک بسته نظارتی اقتدار بیشتری داشته باشد، هژمونی بالاتری خواهد داشت.

باتوجه به موارد مطرح شده برای اندازه‌گیری میزان هژمونی، شاخص‌های اصلی و زیرشاخص‌های شکل دهنده یک بسته هژمونی به شرح زیر معرفی می‌شود.

الف- شاخص اول - تمایز رجحان‌های منطقه‌ای

این شاخص به‌منظور تبیین سلايق و رجحان‌های منطقه‌ای افراد و بنگاه‌ها ارائه شده است. در واقع اینکه مقام پولی در طراحی سیاست‌های خود به ابعاد مختلف جغرافیایی توجه کند، می‌تواند

منافع بیشتری را ایجاد کرده و اقتدار وی افزایش می‌یابد. بیان دیگر یعنی اگر مقام پولی در مواد بسته سیاستی، به تمایز بنگاه‌ها براساس اقلیم، موقعیت‌های برخورداری و غیر برخورداری توجه کند، هژمونی بسته را افزایش داده است.

ب- شاخص دوم- احساس آمرانه بودن

این شاخص بیانگر میزان انعطاف‌پذیری مواد بسته سیاستی- نظارتی است. به طوری که در بسته، هرچه اعمال سلسله مراتب با تأکید بیشتر بر لحن دستوری بودن باشد و یا به عبارت دیگر در لحن مواد، انعطاف‌پذیری کمتری دیده شود، احساس آمرانه بودن بیشتر تلقی می‌شود. در واقع قانونگذار با بیان کلماتی مانند: مجاز است، می‌تواند، تعیین می‌شود، موظفاند و ... حساسیت خود را از منظر دستوری بودن و تأکید بر انجام اذعان می‌دارد. در واقع هر چه تأکیدات مقام پولی به- گونه‌ای باشد که از ابعاد دستوری و سلبی به سمت ابعاد تشویقی و انعطاف‌پذیر حرکت کند، هژمونی سیاست پولی بیش‌تر است.

پ- شاخص سوم- همراهی مقام پولی با مردم

این شاخص در بردارنده میزان توجه مقام پولی به نیازهای جامعه است. از موضوع‌های مورد اهمیت برای بنگاه‌های اقتصادی و مردم که در بسته‌های سیاستی مورد توجه قرار می‌گیرد، می‌توان به "زیرساخت‌ها (تجدید بافت‌های فرسوده، بازسازی شبکه‌های آبرسانی و ...)"، "امور تولید" (اشتغال، اختراعات، ابتکارات و ...) "تشکیل خانواده" و "امور بهداشتی، درمانی و آموزشی" اشاره کرد. از آنجا که طیف وسیعی از فعالیت‌ها می‌تواند در این شاخص قرار گیرند، هر میزان دامنه سیاست‌ها بیشتر پاسخگوی نیازهای متنوع بنگاه‌های اقتصادی و مردم باشد، بسته‌ی سیاستی از هژمونی بیشتری برخوردار است.

۴- روش تحقیق

در این مقاله برای تبیین میزان هژمونی بسته سیاستی- نظارتی از منطق فازی^۱ استفاده شده است. پایه و اساس منطق فازی براساس نظریه مجموعه‌های فازی^۲ است که توسط پروفیسور لطفی‌زاده استاد دانشگاه برکلی امریکا در سال ۱۹۶۵ مطرح گردید.

¹ Fuzzy Logic

² Certainty

از نظریه فازی برای روشن تر شدن مفاهیم نادقیقی که در زبان محاوره‌ای به کار گرفته می‌شود، استفاده می‌شود. به‌طور کلی انسان‌ها در دنیای واقعی با دو دسته از متغیرها روبه‌رو هستند: یک دسته متغیرهایی که انسان‌ها با قطعیت در مورد آن‌ها اظهار نظر می‌کنند و دسته دوم، متغیرهایی که در مورد آن‌ها نمی‌توانند به صراحت و قطعیت اظهار نظر کنند.

در مواردی که افراد با عدم قطعیت روبه‌رو هستند، دو وضعیت قابل ترسیم است یکی تبیین احتمالی عدم قطعیت و دیگری تبیین نسبی عدم قطعیت. در تبیین احتمالی عدم قطعیت، موضوع علم آمار مطرح می‌شود، لیکن در تبیین نسبی عدم قطعیت، منطق فازی به کار گرفته می‌شود.

انسان در مورد پدیده‌هایی که با احتمال عدم قطعیت مواجه است، قضاوتی نسبت به حالت‌های قطعی ممکن ندارد. مثلاً پس از یک آزمون می‌گوید، "احتمالاً قبول می‌شوم". اما در یک وضعیت عدم قطعیت نسبی که فرد با شناخت نسبی مسئله عدم قطعیت را مطرح می‌کند، مثلاً می‌گوید "امتحانم خوب شد". مسلماً خوب بودن یک معیار نسبی است که فرد براساس متغیرهایی برای خود تصور کند، لیکن چون نتیجه قطعی نیست، پس مسئله عدم قطعیت نسبی وجود دارد (اکبری، ۱۳۸۷، ۳۷۹).

از کاربردهای مهم و ویژه علم فازی، معنادار کردن متغیرهای کلامی است. در واقع در علم فازی، پدیده‌هایی که با عدم قطعیت نسبی روبه‌رو هستند، مورد بررسی قرار می‌گیرند. مثلاً اگر مطرح شود که یک بسته‌ی نظارتی چه میزان اثربخش است، مقوله علم آمار و احتمالات مطرح است، ولی اگر مطرح شود این بسته، یک بسته هژمونی خوب، متوسط، ضعیف و ... است، منطق فازی کاربرد پیدا می‌کند. بنابراین از آنجا این مقاله به دنبال ارزیابی نسبی از مفهوم هژمونی است، یعنی می‌خواهد درجه‌ای از ضعیف تا قوی بودن بسته سیاستی - نظارتی را مطرح کند، از روش فازی عددی^۱ استفاده شده است. بنابراین مدل هژمونی پولی مطرح شده براساس منطق فازی به- شرح زیر خواهد بود:

۵- معرفی مدل

برای محاسبه و سنجش میزان کمی هژمونی بسته سیاستی - نظارتی بانک مرکزی، پنج گام به شرح زیر طراحی شده است:

^۱ Fuzzy Number

۵-۱- گام اول: تعیین شاخص‌های هژمونی سیاست پولی

در این مرحله با توجه به مفهوم هژمونی و بسط آن در اقتصاد پولی، سه شاخص تمایز رجحان‌های منطقه‌ای، احساس آمرانه بودن و همراهی مقام پولی با مردم و زیر شاخص‌های آن در جدول شماره ۱ طراحی شده است.

جدول شماره ۱: مدل هژمونی بسته سیاستی نظارتی

شاخص	زیرشاخص	امتیاز	امتیاز کسب شده
اول: تمایز رجحان‌های منطقه‌ای	شهر	۱۰	
	شهرستان	۷/۵	
	استان	۵	
	کشور	۲/۵	
دوم: احساس آمرانه بودن	مجاز	۱۰	
	می‌توانند	۷/۵	
	تعیین می‌شود	۵	
	موظفانند	۲/۵	
سوم: همراهی با مقام پولی	چهار عاملی	۱۰	
	سه عاملی	۷/۵	
	دو عاملی	۵	
	یک عاملی	۲/۵	
جمع شاخص‌ها			

مأخذ: یافته‌های تحقیق

۵-۱-۱- شاخص (۱): تمایز رجحان‌های منطقه‌ای

این شاخص بیانگر سلايق در رجحان‌های استفاده‌کنندگان از تسهیلات پولی و اعتبارات است. از آنجا که هژمونی اقتدار مقام پولی با توجه به ملاحظات اجتماعی و فرهنگی است، توجه به ویژگی و ملاحظات منطقه‌ای یک معیار مهم در میزان هژمونی بودن سیاست به شمار می‌آید.

۵-۱-۲- شاخص (۲) احساس آمرانه بودن

در مفهوم هژمونی اقتدار مقام پولی به واسطه سیاست‌های زورمدارانه، تنبیهی و سلبی نیست، بلکه این اقتدار به‌گونه‌ای است که به سیاست‌های تشویقی، غیرسلبی، اشاعه آگاهی و برانگیزنده

رغبت توجه بیشتری می‌شود. از آنجا که عبارت موجود در مواد بسته‌های سیاستی گویای چنین مفهومی است، این شاخص به‌عنوان یک معیار دیگر برای هژمونی مطرح می‌شود.

۳-۱-۵- شاخص (۳) همراهی مقام پولی با مردم

در این شاخص میزان تناسب‌های نیازهای مردم و استفاده کنندگان از منابع پولی و اعتبارات مورد توجه قرار می‌گیرد.

۲-۵- گام دوم: استخراج زیر شاخص‌ها

در این مرحله هرکدام از شاخص‌ها به زیر شاخص‌هایی تقسیم می‌شوند. تقسیم‌بندی هرکدام از زیرشاخص‌ها باید براساس ماهیت هر شاخص باشد و هر زیر شاخص به‌گونه‌ای طراحی شود که از زیرشاخص‌های دیگر کاملاً مستقل باشد. بر این اساس شاخص ۱، به چهار زیرشاخص شهر، شهرستان، استان و کشور تقسیم شده است. ضرورت این تقسیم‌بندی تبیین بهتر شاخص اول براساس موقعیت‌های جغرافیایی و توجه مقام پولی به این تمایزها می‌باشد. در زیر شاخص مرتبط با شاخص ۲ برای تبیین میزان احساس آمرانه بودن، عبارتی مانند مجاز است، می‌توانند، تعیین می‌شود و موظفانند به‌عنوان زیر شاخص‌ها در نظر گرفته شده است.^۱ لیکن درباره زیرشاخص ۳، دامنه و گستردگی پاسخگویی به نیازهای بنگاه‌های اقتصاد به صورت چهار محور "زیرساختارها"، "اشتغال"، "خانواده" و امور آموزشی و بهداشتی" تقسیم شده‌اند که اگر هر چهار عامل تואماً مدنظر قرار گیرد، زیر شاخص چهار عاملی نامگذاری می‌شود و در صورتی که سه عامل مدنظر پولی باشد، زیرشاخص سه عاملی و به‌همین صورت زیر شاخص دو عاملی و یک عاملی طراحی می‌شود.

۳-۵- گام سوم: تعیین بازه‌های فازی (امتیاز) شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها

برای کمی کردن شاخص‌های مطرح شده باید یک بازه مقداری طراحی شود. از آنجا که از مجموع هر زیرشاخص، امتیاز شاخص محاسبه می‌شود، بنابراین باید از ابتدا وزن امتیاز زیرشاخص‌ها مشخص شود. از نظر مقداری برای هر زیرشاخص حداقل امتیاز ۲/۵ و حداکثر ۱۰

^۱ لازم به ذکر است، برای پرهیز از ایجاد زیر شاخص‌های جدیدتر و بیشتر و همچنین تقارب معنایی، عبارت "اختصاص می‌یابد" معادل "تعیین می‌شود" و "موظفانند" معادل "ابلاغ" در نظر گرفته شده است.

امتیاز در نظر گرفته شده است، به گونه‌ای که برای شاخص ۱، زیر شاخص‌های شهر، شهرستان، استان و کشور به ترتیب ۱۰، ۷/۵، ۵ و ۲/۵ تعریف شده است. در واقع هر قدر که محتوای یک ماده بتواند منافع خرد و منطقه‌ای را تأمین کند، امتیاز بیشتری داده شده است. در مورد زیرشاخص‌های شاخص ۲، بازه امتیاز به ترتیب برای عبارت "مجاز است"، ۱۰، "می‌تواند"، ۷/۵، تعیین می‌شود^۱ و "موظف‌اند" ۲/۵ تعریف شده است. در واقع هر قدر محتوای هر ماده به سمت عبارت‌های تهدیدی می‌رود، امتیاز آن ماده کمتر می‌شود. در مورد زیر شاخص‌های شاخص ۳، هر قدر یک ماده دامنه شمول پاسخگویی به نیازهای بنگاه‌ها را بیشتر پوشش دهد، امتیاز بیشتری دارد. بنابراین زیر شاخص چهار عاملی ۱۰، سه عاملی ۷/۵، دو عاملی ۵ و یک عاملی ۲/۵ امتیاز داده شده است. با توجه به جدول فوق برای امتیازدهی هر شاخص فقط باید یکی از زیرشاخص‌های مرتبط با آن شاخص انتخاب شود و در قسمت امتیاز کسب شده، درج شود. همان‌طور که مشاهده می‌شود حداکثر امتیاز شاخص‌ها، ۳۰ و حداقل ۷/۵ است. یعنی امتیاز یک ماده براساس سه شاخص فوق بین $30 < x < 7.5$ می‌شود، به طوری که هر قدر یک ماده به امتیاز ۳۰ نزدیکتر شود، میزان هژمونی بیشتر و هر قدر به امتیاز ۷/۵ نزدیک شود، میزان هژمونی کمتر می‌شود.

۴-۵- گام چهارم: تعیین بازه‌ی فازی هژمونی بسته‌ها

از آنجا که خروجی این مدل، بیانگر یک وضعیت نسبی از میزان هژمونی است، پس از محاسبه کلیه مواد باید یک بازه فازی تعیین کرد تا براساس شاخص‌های مطرح شده ضعیف، متوسط، بالا و بسیار بالا، میزان هژمونی بسته سیاستی- نظارتی تعیین شود. برای این کار حداکثر و حداقل امتیاز بازه براساس مواد محاسبه می‌شود و یک طیف مقداری تعریف می‌شود. مثلاً در این مدل باتوجه به ۲۰ ماده^۱ برای بسته سیاستی نظارتی بانک مرکزی در سال ۱۳۸۹، حداکثر امتیاز ۶۰۰ و حداقل ۱۵۰ امتیاز است که در یک طبقه‌بندی ۴ طیفی می‌شود:

^۱ اگرچه این بسته، ۲۱ ماده دارد، لیکن به سبب آنکه ماده ۱، مشمول تعاریف است، حذف شده و برای ۲۰ ماده امتیازات محاسبه شده است. باهمین استدلال برای سال ۱۳۸۸ ۵۰ ماده از ۵۱ ماده محاسبه شده است. برای سال ۱۳۸۷ براساس اطلاعات موجود در سایت بانک مرکزی ۱۵ رئوس کلی بسته محاسبه شده است.

$$150 \leq H < 262/5 \leftarrow \text{هژمونی پایین}$$

$$262/5 \leq H < 375 \leftarrow \text{هژمونی متوسط}$$

$$375 \leq H < 487/5 \leftarrow \text{هژمونی بالا}$$

$$487/5 \leq H < 600 \leftarrow \text{هژمونی بسیار بالا}$$

که H امتیاز هژمونی کل بسته براساس مدل ارائه شده است.

این فرآیند محاسباتی برای بازه‌ها به‌همین صورت برای سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ تکرار شده است که تمام محاسبات مربوط بازه‌ها در جدول شماره ۲ آورده شده است:

جدول شماره ۲: تعیین بازه فازی هژمونی بسته‌های سیاستی نظارتی از ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹

بازه‌ی فازی هژمونی بسته‌ها			نوع هژمونی
۱۳۸۹	۱۳۸۸	سال ۱۳۸۷	
$150 \leq H < 262/5$	$375 \leq H < 656/25$	$105 \leq H < 183/75$	هژمونی پایین
$262/5 \leq H < 375$	$656/25 \leq H < 937/5$	$183/75 \leq H < 262/5$	هژمونی متوسط
$375 \leq H < 487/5$	$937/5 \leq H < 1218/75$	$262/5 \leq H < 341/25$	هژمونی بالا
$487/5 \leq H < 600$	$1218/75 \leq H < 1500$	$341/25 \leq H < 420$	هژمونی بسیار بالا

ماخذ: یافته‌های تحقیق

۵-۵- گام پنجم: محاسبه میزان هژمونی بسته‌ها

در این گام با بررسی هر ماده باید یک امتیاز به زیرشاخص مرتبط با هر شاخص داده شود. مثلاً در مورد ماده ۲ بسته سیاستی- نظارتی سال ۱۳۸۹، از آنجا که در این ماده به ابعاد منطقه‌ای توجه نشده، پس امتیاز کسب شده در مورد شاخص اول ۲/۵ می‌شود. یعنی زیرشاخص کشور انتخاب می‌شود. از آنجا که عبارت دستوری "تعیین می‌شود" به‌کارگرفته شده، این مورد در زیر شاخص مرتبط با شاخص ۲، امتیاز ۵ را داراست بنابراین این امتیاز این شاخص ۵ خواهد بود. از آنجا که نرخ سپرده‌ها براساس زیر شاخص‌های مرتبط با شاخص ۳ از تنوع برخوردار نیست و فقط می‌تواند مرتبط به یکی از امور باشد، پس تک‌عاملی یا یک عاملی است و امتیاز این شاخص ۲/۵ خواهد بود. بنابراین کل امتیاز کسب شده ماده ۲، که مجموع امتیازات ۲/۵، ۵

و ۲/۵ کسب شده در شاخص‌های اول تا سوم است، ۱۰ می‌شود. به همین ترتیب امتیازات، برای کل مواد محاسبه شده است.

۶- برآورد مدل و نتایج

باتوجه به موارد مطرح شده میزان امتیاز هر ماده از مواد بسته سیاستی- نظارتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ محاسبه شده که نتایج آن در جدول‌های شماره ۳، ۴ و ۵ آورده شده است.

جدول شماره ۳: برآورد میزان هژمونی بسته سیاستی نظارتی بانک مرکزی در ۱۳۸۷

جمع امتیاز کسب شده	امتیاز شاخص			رئوس کلی بسته
	شاخص ۳	شاخص ۲	شاخص ۱	
۱۰	۲/۵	۵	۲/۵	۱
۱۰	۲/۵	۵	۲/۵	۲
۱۲/۵	۲/۵	۷/۵	۲/۵	۳
۱۰	۲/۵	۵	۲/۵	۴
۱۰	۲/۵	۵	۲/۵	۵
۱۰	۲/۵	۵	۲/۵	۶
۱۰	۲/۵	۵	۲/۵	۷
۱۰	۲/۵	۵	۲/۵	۸
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۹
۱۰	۲/۵	۵	۲/۵	۱۰
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۱۱
۱۲/۵	۲/۵	۷/۵	۲/۵	۱۲
۱۲/۵	۲/۵	۷/۵	۲/۵	۱۳
۱۰	۲/۵	۵	۲/۵	۱۴
۱۰	۲/۵	۵	۲/۵	۱۵
۱۵۰	۳۷/۵	۷۵	۳۷/۵	جمع کل
۱۰۰	۲۵	۵۰	۲۵	سهم از کل (درصد)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۴: برآورد میزان هژمونی بسته سیاستی نظارتی بانک مرکزی در ۱۳۸۸

جمع امتیاز کسب شده	امتیاز شاخص			ماده
	شاخص ۳	شاخص ۲	شاخص ۱	
۱۵	۲/۵	۱۰	۲/۵	۲
۱۰	۲/۵	۵	۲/۵	۳
۱۲/۵	۵	۵	۲/۵	۴
۱۰	۲/۵	۵	۲/۵	۵
۱۵	۲/۵	۱۰	۲/۵	۶
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۷
۱۲/۵	۵	۵	۲/۵	۸
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۹
۱۰	۲/۵	۵	۲/۵	۱۰
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۱۱
۱۰	۲/۵	۵	۲/۵	۱۲
۱۵	۲/۵	۱۰	۲/۵	۱۳
۱۰	۲/۵	۵	۲/۵	۱۴
۱۵	۲/۵	۱۰	۲/۵	۱۵
۱۰	۲/۵	۵	۲/۵	۱۶
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۱۷
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۱۸
۱۰	۲/۵	۵	۲/۵	۱۹
۱۵	۲/۵	۱۰	۲/۵	۲۰
۱۰	۲/۵	۵	۲/۵	۲۱
۱۰	۲/۵	۵	۲/۵	۲۲
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۲۳
۱۲/۵	۲/۵	۷/۵	۲/۵	۲۴
۱۰	۲/۵	۵	۲/۵	۲۵
۱۰	۲/۵	۵	۲/۵	۲۶
۱۵	۲/۵	۱۰	۲/۵	۲۷
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۲۸
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۲۹

ادامه جدول شماره ۴:

۱۵	۲/۵	۱۰	۲/۵	۳۰
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۳۱
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۳۲
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۳۳
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۳۴
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۳۵
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۳۶
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۳۷
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۳۸
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۳۹
۱۲/۵	۲/۵	۷/۵	۲/۵	۴۰
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۴۱
۱۰	۲/۵	۵	۲/۵	۴۲
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۴۳
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۴۴
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۴۵
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۴۶
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۴۷
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۴۸
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۴۹
۱۰	۲/۵	۵	۲/۵	۵۰
۱۵	۲/۵	۱۰	۲/۵	۵۱
۴۸۷/۵	۱۳۰	۲۳۲/۵	۱۲۵	جمع کل
۱۰۰	۲۶/۶۷	۴۷/۶۹	۲۵/۶۴	سهم از کل (درصد)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول شماره ۵: برآورد میزان هژمونی بسته سیاستی نظارتی بانک مرکزی در ۱۳۸۹

جمع امتیاز کسب شده	امتیاز شاخص			ماده
	شاخص ۳	شاخص ۲	شاخص ۱	
۱۰	۲/۵	۵	۲/۵	۲
۱۲/۵	۲/۵	۷/۵	۲/۵	۳
۱۰	۲/۵	۵	۲/۵	۴
۱۵	۷/۵	۵	۲/۵	۵
۲۵	۵	۱۰	۱۰	۶
۲۰	۱۰	۷/۵	۲/۵	۷
۲۲/۵	۱۰	۱۰	۲/۵	۸
۲۲/۵	۱۰	۱۰	۲/۵	۹
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۱۰
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۱۱
۱۰	۵	۲/۵	۲/۵	۱۲
۱۲/۵	۲/۵	۷/۵	۲/۵	۱۳
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۱۴
۱۰	۵	۲/۵	۲/۵	۱۵
۱۲/۵	۲/۵	۷/۵	۲/۵	۱۶
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۱۷
۱۰	۲/۵	۵	۲/۵	۱۸
۷/۵	۲/۵	۲/۵	۲/۵	۱۹
۱۲/۵	۲/۵	۷/۵	۲/۵	۲۰
۱۰	۵	۲/۵	۲/۵	۲۱
۲۵۲/۵	۸۷/۵	۱۰۷/۵	۵۷/۵	جمع کل
۱۰۰	۳۴/۶۵	۴۲/۵۷	۲۲/۷۸	سهم از کل (درصد)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

میزان امتیاز کل به دست آمده برای هر سال به ترتیب ۱۵۰،۴۸۰ و ۲۵۲/۵ است، که بر مبنای منطق فازی اعداد فوق نشان دهنده هژمونی پایین بسته سیاستی- نظارتی بانک مرکزی در هر سه دوره است. اما از آنجا که نسبت مقادیر به دست آمده در هر سال به حداکثر امتیاز ممکن به ترتیب برای سال‌های ۸۷، ۸۸ و ۸۹ به ترتیب ۳۵/۷۱، ۳۲ و ۴۰/۰۷ درصد

بوده است نشان می‌دهد که بسته سیاستی- نظارتی در سال ۱۳۸۹ نسبت به سال‌های دیگر به مقدار حداکثر بسته نزدیکتر شده است.

نکته قابل توجه این است که سهم امتیاز شاخص ۱ به کل امتیاز کسب شده، یعنی سهم تمایز رجحان‌های منطقه‌ای، در سال ۸۸ نسبت به سال ۸۷ بیشتر شده، لیکن در سال ۸۹ کاهش یافته است. این مسئله یعنی در سال ۸۹ به تمایزهای منطقه‌ای در مقایسه با دو شاخص دیگر کمتر توجه شده است.

در مورد سهم امتیاز شاخص ۲ به کل امتیاز کسب شده، مشاهده می‌شود که این سهم در حال کاهش است، یعنی نسبت احساس آمرانه بودن در مقایسه با سایر شاخص‌ها در حال کاهش است. در مورد سهم امتیاز شاخص ۳ به کل امتیاز کسب شده این سهم در حال افزایش است، یعنی مقام پولی سعی کرده وزن بیشتری از مواد بسته‌های سیاستی- نظارتی را برای پاسخگویی به نیازهای بنگاه‌های اقتصادی در امور زیر ساختارها، اشتغال، خانواده و امور آموزشی و بهداشتی اختصاص دهد.

جمع‌بندی و پیشنهادها

با توجه به موارد مطرح شده در این مقاله سعی شد که مفهوم هژمونی در قالب یک الگوی کاربردی و یک چارچوب کمی‌پذیر در ادبیات اقتصاد پولی آورده شود تا امکان تحلیل و ارزیابی مناسب‌تر سیاست‌های بسته نظارتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی تبیین شود. نتایج نشان داد که براساس معیارهای مطرح شده درباره هژمونی سیاست پولی، بسته سیاستی - نظارتی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران یک هژمونی پایین است و در جهت تقویت اقتدار آن باید به رجحان‌های منطقه‌ای، تشویقی بودن سیاست‌ها و تناسب بیشتر و دقیق‌تر با نیازهای مردم اهتمام مضاعف صورت گیرد. ضمناً پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی با استفاده از این الگو و تکمیل نظری و کاربردی آن، امکان ارزیابی هوشمند و مستمر سیاست‌ها قبل و پس از اجرا را در ابعاد مختلف ملی و منطقه‌ای فراهم کند. بدین‌منظور استفاده از روش‌های شبیه‌سازی دیگر از جمله مونت کارلو پیشنهاد می‌شود.

کتاب‌نامه

الف: فارسی

استریناتی، دومینک: *مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه*، ترجمه: پاک‌نظر، ثریا، ۱۳۸۷، چاپ سوم، غزل، ۱۳۷۹.

اکبری، نعمت‌الله، زاهدی کیوان، مهدی: *کاربرد روش‌های رتبه‌بندی و تصمیم‌گیری چند شاخصه*، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، چاپ اول، ۱۳۸۷.

ایگلتن، تری: *درآمدی بر ایدئولوژی*، ترجمه: معصوم بیگی، اکبر، ۱۳۸۱، چاپ اول، نقش جهان، ۱۹۴۳.

شیرخانی، محمدعلی، قنبرلو، عبدالله: *هژمونیسیم تجاری آمریکا: شرایط دوره پس از جنگ سرد*، فصلنامه سیاست، مجله دانشگاه حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۲، ۱۳۸۷.

کرمی، جهانگیر: *هژمونی در سیاست بین‌الملل*. چهارچوب مفهومی، تجربه تاریخی و آینده آن، فصلنامه‌ی پژوهش علوم سیاسی، شماره ۳، ۱۳۸۵.

سیف زاده، سین جین: *نظریه پردازی در روابط بین‌الملل، مبانی و قالب‌های فکری*، تهران، سمت، ۱۳۷۶.

والتز، کنت: *رمز و راز سیاست بین‌الملل و گفتگو*، ترجمه: امیر حسین تیموری، ماهنامه آفتاب، شماره ۳۱، ۱۳۸۲.

ب. انگلیسی

Romer, David, 2006, *Advanced Macroeconomies*, MCGraw- Hill, Third ed, tion kindleberger, charles P. The world in Depression 1929-1939- Berueley, University of Colifan: a, press, 1973.

Dymski, Gary A. *Post Hegemonic U.S. Economic Hegemony*, Journal of the Japanese society for political Economy.

Gilpen,Robert, *With the Assistance of Jean*, M.Gilpin, Global political economy: understanding the International economic order, Princeton and oxford; Princeton university,2001.

Guzzini,Stefano,1998,*Realism in International Relations and International political Economy:The continuing story of a Death foretold*. London and New Yourk:Routledge.

Keohane,Rober, *After Hegemony:Cooperation and Discord in the world political economy*.Princeton,Newjersy, Princeton university,1984.

Kindlerberg,charhes,P.*System of Internatonal Economic Organizations*, David Calleo(ed), Money and coming World order, New York University press for the Lehramann Institute,1976.